



تجّر در قرآن

پرسش؟ تجر از دیدگاه قرآن و احادیث را توضیح دهید.

فهرست مندرجات

- ۱ - [تجّر در لغت](#)
- ۲ - [تجّر در اصطلاح](#)
- ۳ - [تعبیر قرآن از تجر](#)
- ۴ - [اثر پذیری انسانها](#)
- ۵ - [شرح صدر، ضیق صدر](#)
- ۶ - [نکوهش افراد متجّر در قرآن](#)
- ۷ - [عوامل تجرّ و قساوت قلب](#)
 - ۷.۱ - [تقلید از عوام](#)
 - ۷.۲ - [هم نشینی با بدان و تأثیر پذیری از آنان](#)
 - ۷.۳ - [دنيا پرستی](#)
 - ۷.۴ - [کفر](#)
 - ۷.۵ - [چهل و گناه](#)
- ۸ - [اثر تجرّ و قساوت قلب](#)
 - ۸.۱ - [تجّر و تعصّب، سبب نادیده گرفتن حقایق است](#)
 - ۸.۲ - [پایان تجرّ و تعصّب و لجاجت نابودی است](#)
 - ۸.۳ - [تجّر و تعصّب، سبب دل مردگی می شود](#)
- ۹ - [ریشه کن کردن قساوت قلب](#)
- ۱۰ - [اسباب رهایی از تجر](#)
- ۱۱ - [پانویس](#)
- ۱۲ - [منبع](#)

تجّر در لغت

تَجَرُّد در لغت به معنی سنگ شدن است
[۱] تجرّ: بسان سنگ شد. مهیار، رضا، فرهنگ ابداعی عربی به فارسی، ص ۲۰.

تجّر در اصطلاح

در اصطلاح به معنی امتناع [انسان](#) از پذیرش [حق](#)، و روی گردانی از [خداوند](#) است که به [قلب](#) انسان نسبت داده می شود.
[۱] فی ظلال القرآن، ج ۲، ص: ۱۰۹۰ "والقلب الذی لا ترده الشدة إلى الله قلب تجر فلم تعد...".
نقطه ی مقابل تَجَرُّر شرح صدر است.

تعبیر قرآن از تجر

در [آیات](#) قرآن از تَجَرُّر به [قساوت](#) قلب و عدم [خضوع](#) در برابر حقیقت تعبیر شده است.

اثر پذیری انسانها

همان گونه که انسانها در درک مطالب و خودجوشی یکسان نیستند، بعضی با یک اشاره ی لطیف یا یک کلام کوتاه، حقیقت را به خوبی درک

می‌کنند و بعضی در نقطه‌ی مقابل آن قرار دارند، در پذیرش حق هم عده‌ای با یک **تذکر** بیدار می‌شوند، و یک **موعظه** و اندرز در **روح** آنها طوفانی بپا می‌کند، در حالی که بعضی دیگر شدیدترین خطابه‌ها و گویاترین دلائل و نیرومندترین اندرز و مواعظ در وجودشان کمترین اثری نمی‌گذارد.

[۲] **تفسیر نمونه**، ج ۱۹، ص ۴۲۶-۴۲۷.

شرح صدر، ضیق صدر

قرآن در این زمینه بعضی از انسانها را صاحب "**شیخ صدر**" و گسترده‌گی روح و بعضی را دارای تنگی و "ضیق صدر" معرفی می‌کند، چنان که می‌فرماید: "فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأْتَمَا بَصَعْدُ فِي السَّمَاءِ؛" آن کس را که خدا می‌خواهد هدایتش کند، سینه‌اش را برای **اسلام** گشاده می‌سازد، و آن کس را که بخواهد گمراه نماید سینه‌اش را چنان تنگ می‌کند که گویی می‌خواهد به آسمان بالا رود"

[۳] **انعام/سوره ۶**، آیه ۱۲۵.

! این موضوعی است که با مطالعه حالات افراد کاملاً مشخص است، بعضی آن چنان روحشان باز و گشاده است که هر قدر از حقایق در آن وارد شود به راحتی پذیرا می‌شوند، اما بعضی به عکس آن چنان روح و فکرشان محدود است که گویی هیچ جایی برای هیچ حقیقتی در آن نیست، گویی مغزشان را در یک محفظه با دیوارهای نیرومند آهنی قرار داده‌اند.

نکوهش افراد متحجر در قرآن

این افراد مورد نکوهش قرآن مجید قرار گرفته اند، آنجا که می‌فرماید: «وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ، وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

[۴] **انعام/سوره ۶**، آیه ۴۳.

"چرا هنگامی که **مجازات** ما به آنان رسید، (خضوع نکردند و) **تسلیم** نشدند؟! بلکه دل‌های آنها قساوت پیدا کرد و **شیطان**، هر کاری را که می‌کردند، در نظرشان **زینت** داد!"

افراد متحجر از یادآوری و تذکر و **نصیحت** بهره‌ای نمی‌گیرند و بر تغافل نسبت به حقیقت و بی‌خبری از آن تعمد می‌ورزند. قرآن می‌فرماید: "وَ إِذَا دُكِّرُوا لَا يَذَكَّرُونَ؛" و چون به آنها یادآوری شود (تذکر داده شود)، به یاد نمی‌آورند (متذکر نمی‌شوند)".

[۵] **صافات/سوره ۳۷**، آیه ۱۳.

[۶] **تفسیر هدایت**، ج ۱۱، ص ۱۹۸.

عوامل تحجر و قساوت قلب

← تقلید از عوام

تقلید از عوام سبب تحجر و جمود است. **مشركان** در توجیه اعمال خود می‌گفتند: چون پدران خود را بر این دین یافتیم این دین را برگزیدیم

[۷] **شعراء/سوره ۲۶**، آیه ۷۴ «تَلَوْا وَحَدَّثْنَا آبَاءَنَا...».

پایبندی بی‌چون و چرا به سنت‌ها و آداب ملی و قومی، سبب **تخدير** جامعه و سدّ راه فکر و نوآوری و مانع شناخت حقیقت است. البته باید توجه داشت که این گونه از تقلید و پیروی با **تقلید** از اهل علم و دانشمندان، فرق دارد و این نه تنها مانع شناخت حقیقت و نوآوری نیست بلکه وسیله‌ی **تکامل** و **رشد** و ترقی است و به همین دلیل مورد تأیید قرآن قرار گرفته است. چنانکه قرآن برای رسیدن به **هدایت** و رشد می‌فرماید: «فَسْتَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ...»

[۸] **نحل/سوره ۱۶**، آیه ۴۳.

؛"از اهل ذکر بپرسید".

[۹] **انبیاء/سوره ۲۱**، آیه ۷.

[۱۰] **تفسیر نور**، ج ۸، ص ۳۲۴.

و «فَيُهْدَاهُمْ مَقَدِّدَةً...»؛ "به هدایت آنان اقتدا کنید".

[۱۱] **انعام/سوره ۶**، آیه ۹۰.

← هم نشینی با بدان و تأثیر پذیری از آنان

← دنیا پرستی

دنیا پرستی، هوا پرستی و آرزوهای دور و دراز، باعث تنگی روح و قساوت قلب می‌شود. امام صادق (علیه السلام): "اوحی الله عز و جل الی موسی یا موسی لا تفرح بکثرة المال، و لا تدع ذکری علی کل حال، فان کثرة المال تنسی الذنوب، و ان ترک ذکری یقسی القلوب؛" خداوند متعال به موسی (علیه السلام) **وحی** فرستاد که ای موسی! از فزونی اموال خوشحال مباش، و یاد مرا در هیچ حال ترک مکن، چرا که فزونی مال غالباً موجب فراموش کردن **گناهان** است، و ترک یاد من قلب را سخت می‌کند.

[۱۲] **بحار الانوار**، ج ۲۴، ص ۳۴۲.

از جمله پیام‌های دیگر پروردگار به حضرت موسی (علیه السلام) این بود: یا موسی لا تطول فی الدنيا املک، فیکسو قلبک، و القاسی القلب

منی بعید: " ای موسی [آرزوهای](#) را در دنیا دراز مکن که قلبت سخت و انعطاف ناپذیر می‌شود، و سنگدلان از من دورند!".
[\[۱۴\] کافی، ج ۲، ص ۳۲۹، باب القسوة](#) " حدیث ۱.

← کفر

[مؤمن](#) همیشه رو به رشد و حرکت است، زیرا چشم حقیقت بین، نور، نفس پاک و دل زنده دارد، اما [کافر](#) حاضر نیست حقیقت را ببیند و به خاطر سنگدلی، آن را نمی‌پذیرد و به دلیل ظلمات [جهل](#) و [نعصب](#) و [تجّر](#) در راه حق حرکت نمی‌کند.
[\[۱۵\] تفسیر نور، ج ۹، ص ۴۹۲.](#)

← [جهل و گناه](#)

قال أمير المؤمنين عليه السلام: " ما جفت الدموع الا لقسوة القلوب، و ما قست القلوب الا لكثرة الذنوب" امیر مؤمنان (ع) فرمود: " اشکها خشک نمی‌شوند مگر به خاطر سختی دلها و دلها سخت و سنگین نمی‌شوند مگر به خاطر فزونی [گناه](#)".
[\[۱۶\] بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۵۵.](#)

[آثار تجرّ و قساوت قلب](#)

← [تجرّ و تعصّب، سبب نادیده گرفتن حقایق است](#)

قرآن می فرماید: «بِمَا أُزْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ»؛ " (متجرّین) به آنچه بر انگیخته شده اند، [کفر](#) می ورزند".
[\[۱۷\] زخرف/سوره ۴۲، آیه ۲۴.](#)

← [پایان تجرّ و تعصّب و لجاجت نابودی است](#)

[\[۱۸\] تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۴۴۷](#)

خدای متعال می فرماید: «فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ...»؛ "ما از آنها انتقام می گیریم".

[\[۱۹\] زخرف/سوره ۴۲، آیه ۲۵.](#)

[\[۲۰\] حجر/سوره ۱۵، آیه ۷۹.](#)

[\[۲۱\] اعراف/سوره ۷، آیه ۱۳۶.](#)

زیرا تعصّب و تجرّ به جایی می‌رسد که [پیامبر](#) معصومی چون ابراهیم که بیان و [معجزه](#) و [علم](#) دارد به خاطر مشتی سنگ و چوب و حماد محکوم به سوختن می‌شود.

← [تجرّ و تعصّب، سبب دل مردگی می شود](#)

مؤمنان، مردمی زنده دل و برخوردار از حیات حقیقی هستند. زیرا [ایمان](#) به فرد و جامعه حیات می‌بخشد و کفر [میرگ](#) فرد و جامعه را در پی دارد.

[ریشه کن کردن قساوت قلب](#)

در پاسخ به این سؤال، باید گفت: هنگامی که نفوس در گودال ژرفی از خواب و آسایش فرو می‌رود و در آن هنگام که دلها سنگ و از صخره ی سنگ ها سخت‌تر می‌شود، و آدمی بدون فهم و اراده با سنتهای باطل خو می‌گیرد، و به هیچ تکامل و تطوری رضا نمی‌دهد. در آن صورت نیاز انسان به بانگ های بیم دهنده، شدت می‌یابد، تا قلب او از خواب بیدار شود، و [عقل](#) از تسلط انبوه [خرافات](#) رهایی یابد.

[اسباب رهایی از تجرّ](#)

خداوند متعال برای رهایی از تجرّ و قساوت قلب، اسباب زیادی را مهیا کرده است (بشرط این که انسان نیز بخواهد). بعضی از این اسباب عبارتند از:

۱- وحی پیامبر(صلی الله و علیه و آله)، به صورتی پیوسته روشنی‌هایی را در محیطی از تاریکی سخت، و بانگ های پرروشی را در محیطی از خاموشی و جمود، و آتشفشانهای سوزنده‌ای را برای از بین بردن مقدّسات باطل و خرافات به جای مانده از [دوران جاهلیت](#)، بر همگان آشکار می‌سازد.

[سوره تکویر](#) یکی از بانگ های آژیری است، و چون درب قلب بر آن گشوده شده باشد، همچون کلیدی برای تطور و ابداع در قلب و عقل و

رفتار عمل می‌کند.
[\[۱۱\]](#) تفسیر هدایت، ج ۱۷، ص ۳۴۸، با اندکی تغییر در عبارت.

- ۲- یادآوری و تذکر سبب برانگیختن و بیدار کردن دانسته‌های انسان در خاطره و ذهن است و عقل انسان، به گونه ای است که اگر صاحب خرد آن را بکاود و برانگیزد، حقایق نهفته ی بسیاری از او آشکار می شود که می تواند قساوت قلب را از انسان بزدايد.
 - ۳- مطالعات پی گیر و مستمر در آثار و احوال و سرنوشت گذشتگان و [عبرت](#) گرفتن از آنان.
 - ۴- ارتباط مداوم با دانشمندان و علمای صالح.
 - ۵- یاد خدا.
 - ۶- [خودسازی](#) و ت [هذیب نفسی](#)، پرهیز از گناه و مخصوصا پرهیز از غذای حرام.
- به هر حال برای به دست آوردن شرح صدر و رهایی از قساوت قلب باید به درگاه خدا روی آورد تا آن نور الهی که پیامبر وعده داده در قلب بتابد، باید آئینه قلب را از زنگار گناه صیقل داد و سرای دل را از زیاله‌های هوا و هوس پاک کرد تا آماده پذیرایی محبوب گردد، اشک ریختن از [خوف خدا](#)، و از [عشق](#) آن محبوب بی‌مثال، تاثیر عجیبی در رفت قلب و نرمش و گسترش روح دارد، و جمود چشم از نشانه‌های سنگدلی است.

پانویس

۱. [↑](#) [تَحَجَّرَ](#): بسان سنگ شد. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی به فارسی، ص ۲۰.
۲. [↑](#) فی ظلال القرآن، ج ۲، ص: ۱۰۹۰ " والقلب الذی لا ترده الشدة إلی الله قلب تحجر فلم تعد...".
۳. [↑](#) [تفسیر نمونه](#)، ج ۱۹، ص ۴۲۶-۴۲۷.
۴. [↑](#) [انعام/سوره ۶](#)، آیه ۱۲۵.
۵. [↑](#) [انعام/سوره ۶](#)، آیه ۴۳.
۶. [↑](#) [صافات/سوره ۳۷](#)، آیه ۱۳.
۷. [↑](#) [تفسیر هدایت](#)، ج ۱۱، ص ۱۹۸.
۸. [↑](#) [شعراء/سوره ۲۶](#)، آیه ۷۴ «بَلْ وَحَدِّثْنَا آيَاتِنَا...».
۹. [↑](#) [نحل/سوره ۱۶](#)، آیه ۴۳.
۱۰. [↑](#) [انباء/سوره ۲۱](#)، آیه ۷.
۱۱. [↑](#) [تفسیر نور](#)، ج ۸، ص ۳۲۴.
۱۲. [↑](#) [انعام/سوره ۶](#)، آیه ۹۰.
۱۳. [↑](#) [بخار الانوار](#)، ج ۲۴، ص ۳۴۲.
۱۴. [↑](#) [کافی](#)، ج ۲، ص ۳۲۹، باب القسوة" [حدیث ۱](#).
۱۵. [↑](#) [تفسیر نور](#)، ج ۹، ص ۴۹۲.
۱۶. [↑](#) [بخار الانوار](#)، ج ۷۸، ص ۵۵.
۱۷. [↑](#) [زخرف/سوره ۴۳](#)، آیه ۲۴.
۱۸. [↑](#) [تفسیر نور](#)، ج ۱۰، ص ۴۴۷.
۱۹. [↑](#) [زخرف/سوره ۴۳](#)، آیه ۲۵.
۲۰. [↑](#) [حجر/سوره ۱۵](#)، آیه ۷۹.
۲۱. [↑](#) [اعراف/سوره ۷](#)، آیه ۱۳۶.
۲۲. [↑](#) [تفسیر هدایت](#)، ج ۱۷، ص ۳۴۸، با اندکی تغییر در عبارت.

منبع

[اسلام کوئیست](#).